



بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين. الحمد لله خالق الخلق، باسط الرزق، فالق الاصباح، ديّان الدين، رب العالمين. احمده واستعينه، و استغفره و اتوكل عليه. و اصلى و اسلم على حبيبه و نجيبه، سيدنا و نبينا، ابى القاسم محمد، و على آله الأطيبين الأطهرين المعصومين المنتجبين، سيّما بقية الله فى الارضين، و صلّى على ائمة المسلمين و حماة المستضعفين و هداة المؤمنين. اوصيكم عباد الله بتقوى الله.

عيد سعيد فطر را به همه شما عزيزان نمازگزار و به همه ملت بزرگ ايران و به همه مسلمين عالم، تبريك عرض مى كنم. روزى بزرگ، پس از روزها و شبهايى بسيار با عظمت است. اميرالمؤمنين، عليه الصلّٰة والسلام در يکى از خطبه هاى روز عيد فطر چنين فرمود: «ايها الناس! ان يومكم، هذا يوم مثاب فيه المحسنون ( 1)» ؛ اى مردم! امروز روزى است که در آن نيکوکاران پاداش و اجر خود را از خداى متعال مى گيرند ؛ اجر روزه، اجر عبادات ماه رمضان، اجر امساکها و جلوگيريهيها از هواى نفس. «و يخسر فيه المبطلون» ؛ و کسانی که حرکت و عمل نادرست داشته اند، در چنين روزى، خسارت بدکارگى خود را خواهند يافت. امروز، روز جزاست. «و هو اشبه يوم بيوم قيامكم» ؛ امروز، شبيه روز قيامت است. «فاذكروا بخروجكم من منازلكم الى مصلاكم، خروجكم من الاجداث الى ربكم» ؛ از خانه که به طرف مصلاى نماز عيد فطر خارج مى شويد، به ياد بياوريد هنگامى را که از قبرهاى خود در روز قيامت خارج مى شويد تا به طرف ميدان عظيم قيامت و محلّ ثواب و عقاب الهى روانه گرديد. «واذكروا بوقوفكم فى مصلاكم ووقوفكم بين يدي ربكم» ؛ در مصلاّ که برای نماز مى ايستيد، به ياد بياوريد هنگامى را که در قيامت، در پيشگاه پروردگار ايستاده ايد و برای حساب و کتاب آماده مى شويد. «واذكروا برجوعكم الى منازلكم، رجوعكم الى منازلكم فى الجته» ؛ از مصلاّ که به خانه هاى خود بر مى گرديد، به ياد بياوريد وقتى را که از عرصه قيامت به سوى منازل بهشتى خود روانه مى شويد تا در آنها سکنا گزينيد.

بعد فرمود: اى بندگان خدا! «ان ادنى ما للصائمين والصائمات» ؛ کمترین پاداشى که خداى متعال برای مردان و زنان روزه دار در مثل امروز يا در مثل روز آخر ماه رمضان عطا خواهد کرد، اين است که «ان يناديهم ملك فى آخر يوم من شهر رمضان» ؛ فرشته اى در آخرين روز ماه رمضان، آنها را مخاطب قرار دهد و گويد: «ابشروا عبادالله» ؛ بشارت بر شما باد اى بندگان خدا! «فقد غفرلكم ما سلف من ذنوبكم» ؛ گناهان شما آمرزيده شد.

اين، پاداش ماه رمضان است. به يك روزه درست، يك عمل پر مغز و يك عبادت خالصانه و مخلصانه، در آخرين دقايق ماه رمضان و آخرين ساعات آن ماه عزيز، اين گونه پاداش داده مى شود: «فقد غفر لكم ما سلف من ذنوبكم». آمرزش گناهان گذشته، پاداش كمى نيست! «فانظروا كيف تكونون فى ما تستأنفون» ؛ ببينيد از امروز که مى خواهيد روزى نو را شروع كنيد، چگونه شروع خواهيد کرد. مبدا خيال كنيد و با خود بگوييد که «ما گناه كنيم، تا در ماه رمضان ديگر، آمرزيده شويم!» ؛ هيچ کس نمى داند که تا ماه رمضان ديگر زنده خواهد ماند يا نه. سال گذشته، در همين نماز عيد و در همين مصلى ، کسانی حضور داشتند که امسال نيستند. سال آينده هم معلوم نيست کدام از ما باشيم و کدام نباشيم. به علاوه، گناهی که از روى تجرّی و تعمّد انجام گيرد، دل انسان را سياه و تاريک مى کند. از چنين انسانی، ديگر عبادت خالصانه، به آسانی سر نمى زند ؛ تا گناه وى به خاطر آن عبادت آمرزيده شود. سعی كنيد و سعی كنيم که از گناهان اجتناب نماييم و عمل صالح انجام دهيم. اين است خصوصيتى که يك انسان را سعادت مند مى کند.



امروز، به مناسبت عید فطر و پس از این کلمات نورانی که از خطبه امیرالمؤمنین علیه الصلوة والسلام نقل شد، یک نکته اخلاقی کوتاه را می‌خواهم عرض کنم. آن نکته این است که در یکی از دعاهای صحیفه سجّادیه - صحیفه ثالثه سجّادیه - در آخر دعایی که مابین نافله و فریضه صبح خوانده می‌شود، از امام سجاد علیه السلام چنین نقل شده است: «اللّهم الرّزقنى عقلاً كاملاً و عزمًا ثاقباً و لباً راجحاً و قلباً زكياً و علماً كثيراً و ادباً بارعاً.» آن حضرت، شش چیز از خدای متعال خواسته است. می‌فرماید: خدایا! عقل کامل، اراده نیرومند، لبّ راجح - که من روی این خواسته سوم می‌خواهم تکیه کنم - دل پاکیزه، دانش بسیار، و ادبی برجسته و درخشان به من عنایت کن!

نکته و خواسته سوم، «لبّ راجح» است. معنایش این است که «باطن و مغز کار من، از ظاهر و شکل کار من، بیشتر باشد.» ببینید امام سجاد، علیه السلام از خدا چه خواسته است! من می‌خواهم برای شما مردم مؤمن، برای ملت بزرگ ایران، برای دل‌هایی که به نور ایمان روشن شد و با سخن و عمل خود دنیایی را روشن کرد، این نکته را تکرار کنم: «لبّاً راجحاً.»

ما، دو نوع آدم داریم: یک نوع، آدمی است که هرچه هست، در ظاهر اوست. ظاهرش جذاب و چشمگیر و احیاناً خاشع کننده و خاضع کننده است. اما باطنش پوک و پوچ است؛ چیزی در او نیست. این، بدترین نوع آدمی است که می‌خواهد منشأ آثار بزرگ باشد. پناه بر خدا! اما یک نوع دیگر، آدمی است که باطن او بر ظاهرش ترجیح دارد. ظاهرش هر چه هست، باطن او بهتر و بیشتر از ظاهر، جذابیت دارد. امام سجاد علیه السلام به ما درس می‌دهد که از خدا بخواهیم آدمی از نوع دوم باشیم.

می‌دانیم که دعاها، فقط خواستن از خدا نیست؛ بلکه درس برای خود ما نیز هست. ریاکاری، مال آدم نوع اول است. صومعه، از آن آدم نوع اول است. پوکی و بی‌مغزی، ویژه آدم نوع اول است. چنین آدمی، نه در جنگ به درد می‌خورد، نه در شدت به کار می‌آید و نه بارهای سنگین را می‌تواند بر دوش بگذارد. هر چه دارد، فقط ظاهر است! اما تربیت اسلامی، غیر از این است. تربیت اسلامی بر این مبناست که ظاهر را باید حفظ کنی، اما باطنت باید از ظاهر بهتر باشد. کسانی نگویند «ظاهر هرطور بود، بود. اصل، باطن است.» بله، اصل باطن است. اما ظاهر باید نمودار باطن باشد: «الظاهر عنوان الباطن.» (2) ظاهر را هم باید درست کرد. هیچ کس نباید تظاهر به کار خلاف کند. اگر از عمل و سیمای کسی آثار عبادت خدا دیده و شناخته شود، تأثیر بسیار خوبی می‌گذارد. اما در همان حال، باید باطن از ظاهر، بهتر و سنگینتر باشد.

پروردگارا! تو را به محبوب بزرگ عالم امکان، امام زمان، تورا به آن قطب همه فضایل هستی سوگند می‌دهیم، باطن ما را از ظاهرمان بهتر کن.

پروردگارا! دعای ولی عصر، ارواحنا فداه را شامل حال ما بگردان.

پروردگارا! روح مطهر امام بزرگوار و ارواح مقدّسه شهدا و گذشتگان ما را، در امروز از این مجمع و از حسنات اعمال ما، بهره مند بگردان.

پروردگارا! اعمال ماه رمضان را از همه ما قبول فرما و توفیق عمل صالح به همه ما عنایت کن.

بسم الله الرحمن الرحيم.



بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين. والصلاة والسلام على سيدنا و نبينا، ابي القاسم محمد، و على آله الأطيبين الأطهرين المنتجبين، سيما على، اميرالمؤمنين، والصديقة الطاهرة، و سبطي الرحمة، و امام الهدى، الحسن والحسين، و على بن الحسين، و محمد بن علي، باقر علم النبيين، و جعفر بن محمد الصادق، و موسى بن جعفر الكاظم، و على بن موسى الرضا، و محمد بن علي الجواد، و على بن محمد الهادي، و الحسن بن علي العسكري، والحجة بن الحسن القائم المهدي. حججك على عبادك، و امنائك في بلادك. و صلّ على ائمة المسلمين، و حماة المستضعفين، و هداة المؤمنين. اوصيكم عباد الله بتقواله.

امروز، در صحنه سياست بين المللي - دولتها و قدرتهاي جهاني از يك طرف و ملتها و جمعيتهاي انبوه مردمي از طرف ديگر - هم خصوصيات زيبا وجود دارد و هم خصوصيات زشت. خصوصيات زيبا، بيداري ملتها، اسلامگرابي ملتهاي مسلمان و تحمل ناپذيري مظلومان است، و خصوصيات زشت، ستمگري ستمگران، زورگويي قلدران و توطئه بددلان و بدخواهان ملتهاست. در بين نقاط نامطلوب و زشت در صحنه جهاني، يك نقطه - به نظر من - زشت تر از همه است. امروز مي خواهيم آن نقطه را مورد تكيه قرار دهيم، تا نظر ملت ايران، براي همه كساني كه نظاره گرند معلوم شود. آن نقطه اين است كه ما از قلدرها و گردن كلفتهاي عالم، انتظار خوب بودن و ظلم نكردن نداريم؛ اما از مجامع جهاني عالم، انتظار انصاف و استقلال داريم! سازمان ملل، اسمش سازمان ملل است. يعني جايي كه از آن ملتهاست. اين سازمان جهاني، در تيول دولتها هم نيست، چه رسد به اين كه مال چند دولت قلدر زورگوي افزون دنيا باشد. متأسفانه، امروز، واقعيت چيز ديگري است و اين، همان نقطه بسيار زشت است. ما البته كارهاي شوراي امنيت را كه دستگاه اصلي تصميم گيرنده در سازمان ملل و قلب اين سازمان است، از قبل ديده بوديم. فهميده بوديم كه چقدر اين سازمان، در مواقع حساس، درمشت ابرقدرتها قرار مي گيرد و براي آنها - و نه براي ملتها - مي شود. شاهد مثال آن، قضيه جنگ تحميلي بود. وقتي جنگ تحميلي پيش آمد و عراق مرزهاي ما را شكست و وارد چنداستان كشور ما شد، ما طبق معمول به سازمان ملل شكايت كرديم. طبق مقررات سازمان ملل، مي بايست شوراي امنيت در ظرف چند ساعت، قطعنامه اي صادر مي كرد كه عراق را به عنوان متجاوز محكوم كند. اين كار را نكردند؛ و تا چندين روز، هيچ عكس العملی نشان ندادند. وقتي كه قشون عراق، با استفاده از اوضاع نابسامان آن روز ما، در خاك كشور عزيزمان، خوب جاگير شد و چند هزار كيلومتر را اشغال كرد، تازه شوراي امنيت سر بلند كرد كه يك كلمه حرف بزند. مثلاً، قطعنامه صادر كرد! قطعنامه چه بود؟ آيا قطعنامه اين بود كه «متجاوز، از خاك ايران، بيرون برود»؟ ابداً! قطعنامه صادر كردند كه «ايران و عراق، آتش بس اعلام كنند»! يعني چه؟ يعني قشون عراق وارد خاك ايران شده است و حال كه نوبت دفاع جانانه ملت ايران است، دستها بسته شود و كسي دفاع نكند و متجاوزين را بيرون نريزند! اين، قطعنامه شوراي امنيت بود! مي دانيد كه چند سال، اينها بي آن كه متجاوز را محكوم كنند، همين حرف را زدند! البته رزمندگان ما، در مدت نه چندان زيادي - تقريباً در ظرف يك سال و نيم - اكثر زمينها را خودشان پس گرفتند.

اين سابقه را، در قضيه جنگ تحميلي از شوراي امنيت سازمان ملل داشتيم. بعد از چند سال، حمله عراق به كويت اتفاق افتاد. وقتي كه عراق به كويت حمله كرد، ديگر مسأله، مسأله يك ملت مظلوم نبود. مسأله، مسأله منافع امريكا و ابرقدرتها بود و همه ديديد كه در ظرف چند ساعت، قطعنامه اول صادر شد كه «عراق بايد از كويت بيرون برود.» يعني همان موردی كه ما چند سال به شوراي امنيت مي گفتيم بايد چنين قطعنامه اي را در جنگ تحميلي كه عليه ما آغاز کرده اند، صادر کند و نمی کرد.



باری؛ در ظرف چند ساعت قطعنامه اول صادر شد و بعد هم، بلافاصله، پی در پی، شورای امنیت قطعنامه های گوناگونی صادر کرد و به امریکاییها اجازه داد که وارد خلیج فارس شوند. اجازه داد عراق را ویران کنند و هر کاری که دلشان می خواست بکنند. تا امروز هم، اجرای قطعنامه های شورای امنیت نسبت به قضیه جنگ کویت، در جریان است و هنوز هم اجرا می شود.

این مسائل را ما دیده بودیم. در این ماههای اخیر هم، یک بار در قضیه بوسنی، که شورای امنیت بایستی حرکت عادلانه ای انجام می داد، دیدیم انجام نداد. چنان که در قضیه حرم شریف ابراهیمی در فلسطین اشغالی، اقدامی به عمل نیاورد. ملت‌های مسلمان اعلام آمادگی کردند تا نیروهایی را به عنوان سربازان سازمان ملل اعزام کنند که میان صربها و مسلمانان بوسنی حایل شوند. شورای امنیت گفت که «مسلمانان نمی توانند بروند؛ چون ممکن است از طرف مسلمان درگیر در مناقشه، حمایت کنند». البته، این حرف غلطی بود. چون مسلمانان برای وساطت می رفتند و می خواستند بین طرفین نزاع حایل شوند؛ نه این که بجنگند. شورای امنیت، چنین ادعایی را مطرح کرد. اما در همین حال اجازه دادند که سربازان روسی که معلوم بود با صربها روابط دوستانه و صمیمی دارند، به عنوان سربازان سازمان ملل، به آن منطقه بروند و به عنوان حایل در آن جا حضور داشته باشند.

پس چرا این جا ملاحظه نکردند که سربازان روسی، از لحاظ مذهبی و از جهات پیوندهای گوناگون، با صربها ارتباط دارند؟! دنیا تصویر تانک‌های سربازان روسی را که حامل آرم سازمان ملل بود، منتشر کردند. در آن تصاویر، نشان داده می شد که روسها وارد منطقه می شدند و صربها برایشان شعار می دادند، کف می زدند و هورا می کشیدند! هنوز هم مسلمانان بوسنی قربانی می شوند و سازمان ملل ککش نمی‌گردد! شورای امنیت هم به وظیفه خود عمل نمی‌کند.

قضیه دوم، فاجعه خونین حرم ابراهیمی است. در این ماجرا اسرائیل می‌بایست شدیداً محکوم می‌شد. بایستی محاکمه می‌گردید و مجبور می‌شد مجازات‌هایی را تحمل کند. این کارها رابایستی سازمان ملل می‌کرد و نکرد. شورای امنیت هم در این قضیه به وظیفه خود به هیچ وجه عمل نکرده است.

علت را در چه می‌بینیم؟ در نفوذ قدرتهای بزرگ، و در رأس آنها نفوذ امریکا بر شورای امنیت و بر شخص دبیرکل! این، نظر نظام جمهوری اسلامی و نظر ملت ایران است. ما با کسی دشمنی خاصی نداریم. مابه مقامات جهانی، برحسب شأن و موقعیتشان، احترام می‌گذاریم. دبیرکل قبلی سازمان ملل (3)، مکرراً به ایران آمد. در آن زمان، رئیس جمهور، رئیس مجلس و مسؤولین وزارت خارجه، از او احترام و تکریم کردند. اگر دبیرکل به وظایف خود عمل کند، ما او را احترام می‌کنیم. اما به نظر ما و به نظر ملت ایران، دبیرکل فعلی سازمان ملل به وظیفه خود عمل نکرده است. این حرکت زشت اخیر که کمیسیون به اصطلاح حقوق بشر سازمان ملل انجام داد و در اقدامی مفتضحانه، جمهوری اسلامی را متهم کرد، از همین قبیل است. جلو چشمشان، اسرائیلیها صدها نفر مسلمان نمازگزار را به خاک و خون می‌کشند و بیش از هفتاد نفر را می‌کشند، اما آنها را محکوم نمی‌کنند!

در این منطقه، کدام دولت و ملت راسراغ دارید که مثل دولت و ملت ایران، مردمی باشد، آزاد باشد و حکومتش در اختیار آرا و افکار مردم باشد؟! چنین مجلس و چنین آزادی ای که دولت‌مردان، از مردم، در میان مردم و با مردم باشند، کجا سراغ دارید؟ ملت ایران، برای خاطر خدا، برای حفظ استقلال و آزادی خود، برای خاطر ظلم ستیزی خود، برای این که روی پای خود بایستد، برای این که تحت نفوذ امریکا نباشد و برای این که گذشته ننگین دوران سلطنت را با رفتار شجاعانه و بزرگووارانه خود به کلی بشوید و از بین ببرد، در مقابل همه قدرتهای قلدر ایستاده است و باز هم خواهد ایستاد. آینده این ملت، روشن است. روزبه روز قدرت این ملت بیشتر و ریشه‌های عمیقتر می‌شود. روزبه روز سخن این ملت در جهان، خریدار بیشتری پیدا می‌کند و می‌بینید که امروز همین گونه است. ما امروز از ده



سال گذشته، قویتر و در دنیا آبرومندتریم. ملت، به برکت اسلام و به برکت قرآن، مستقیمتر و شجاعتر و آماده پیگیری راه بزرگ و هدف عالی خود است.

www.leader.ir

يك نکته ديگر هم درپايان اين صحبت عرض كنم: متأسفانه، مسأله حج، هنوز آن گونه كه بايد و شايد، در جريان عادی خود قرار نگرفته است. دولت سعودی سنگ اندازی می کند و نمی داند چرا؟! وزارت خارجه، سازمان حج، دستگاه نمایندگی رهبری و «بعثه» رهبری، تلاشهای زیادی کرده اند و باید بسیاری از کارهای حج در این روزها - بعد از ماه رمضان - تمام شده باشد. اما مشکل می آفرینند. نمی داند چرا این کار را می کنند؟! البته ما، حمل برصحت می کنیم. ما امیدواریم که مسؤولین سعودی، خدای ناخواسته حرکتی نکنند که ملت ایران از آنها خشمگین شود. کاری نکنند که مسلمانان جهان چنین احساس کنند که حج نیز وسیله ای در دست امریکا و قدرتهای بزرگ است. نباید چنین شود و امیدواریم که نشود.

بنده اعلام می کنم که حج، حق مسلمانان، و خانه خدا از آن مسلمانان است. «انّ اول بيت وضع للناس ( 4 )». خانه خدا مال کسی نیست. اگر کسی افتخار این را پیدا کرد که مدیریت خانه خدا در دست او باشد، باید خدا را شکر کند و وسیله رفاه ملتها را برای رفتن به مکه فراهم سازد؛ نه این که سنگ اندازی کند. این ملت بزرگ و مؤمن، با آن علاقه و شوقی که به زیارت خانه خدا و زیارت قبر مطهر نبی اکرم و قبور ائمه بقیع علیهم السلام دارد، شایسته است که برای زیارت حج و طواف خانه خدا، مقدّم بر سایر ملتها قرار گیرد. ما از خدا می خواهیم مناسک حج که مناسکی اسلامی است، اسلامی باقی بماند و قربانی سیاستهای بین المللی استکبار نشود.

پروردگارا! به محمد و آل محمد، ملتهای مسلمان را بیدار کن.

پروردگارا! ستمگران عالم را به دست مظلومان مجازات کن.

پروردگارا! ملت سرافراز و بزرگ ایران عزیز اسلامی را آن چنان که شایسته بزرگواری او و شایسته کرامت توست، عطا و پاداش عنایت کن.

پروردگارا! ارواح مطهره شهدا و روح مقدس امام را از ما خشنود کن.

بسم الله الرحمن الرحيم.

والعصر. انّ الانسان لفي خسر. الا الذين آمنوا و عملوا الصالحات و تواصوا بالحق و تواصوا بالصبر.

والسلام عليكم و رحمة الله و بركاته

1) -

2) بحارالانوار؛ ج 66؛ ص 365.

3) خاوير پروزو کوئيار»



دفتر مقام معظم رهبری  
www.leader.ir

4) آل عمران: 96